

• یک شنبه، ۴ آذر ۱۴۰۳  
• شماره ۲۱۶۴۲

• ۲۲ جمادی الاول ۱۴۴۶  
• ۲۴ نوامبر ۲۰۲۴

<b>اذان ظهر:</b>	۱۱:۱۸
<b>غروب آفتاب:</b>	۱۶:۱۸
<b>اذان مغرب:</b>	۱۶:۳۸
<b>نیمه شب:</b>	۲۳:۳۴
<b>اذن صبح فردا:</b>	۴:۵۰
<b>طلوع آفتاب فردا:</b>	۶:۱۹

## تهران

**حضرت سیدالشهدا، امام حسین (ع) می فرمایند:**

**إِذَا وَرَدْتَ عَلَى الْعَاقِلِ نَمَّةَ قَمَحِ الْحَزْنِ بِالْحَزَمِ وَقَرَعَ الْعَقْلَ لِلْإِحْتِيَالِ.**

هنگامی که برای عاقل مشکلی پیش آید،غم خود را با دوراندیشی از میان می‌برد وعقل را به چاره‌جویی وا می‌دارد.

[ ترجمه الناز و تنبه خاطر،ص ۸۴]



**اصلاح رویکرد بسیاری از کارشناسان و مردم، زاپاسی ندیدن چین، تعیین مسئول ویژه برای پرونده چین و تعریف منافع مشترک با پکن در این مقطع زمانی فوری و ضروری است**



فروردین سال ۱۴۰۰ بود که توافق همکاری های ۲۵ ساله ایران و چین امضا شد. بر اساس این توافق بنا شد چینی ها در پروژه های مهم نفتی، پتروشیمی، ریلی، فرودگاهی، کربوری، بندری، خودروسازی و ... اقدام به سرمایه گذاری بیش از ۴۰۰ میلیارد دلاری کنند. حال با گذشت بیش از ۴۵ ماه از امضای این توافق مهم و راهبردی، کدام یک از پروژه های توافق شده در مسیر اجرایی شدن قرار دارند؟ حجم سرمایه گذاری چینی ها چه مقدار بوده است؟ این توافق چه تاثیر مشهودی بر اقتصاد و سفره مردم داشته است؟ نقش سفیر ایران در پکن در پیشبرد این توافق چه بوده است؟ ریشه این تعویق ها و تعلیق ها سرگردانی ها و ترک فعل ها و سرمایه سوزی ها در کجاست؟ آیا مشکل در دولت هاست؟ مشکل از طرف خارجی است؟ و یا انتخاب سفیران ضعیف؟ و اگر بخواییم این پرونده های باز را حل کنیم چه باید کرد؟ آیا با انتخاب نمایندگان ویژه برای چین مشکل حل می شود؟ دونالد ترامپ در اول بهمن با بجا آوردن مراسم تحلیف، رسماً به قدرت باز می گردد. ابزار جمهوری اسلامی ایران برای مهار دور جدید فشارهای ایالات متحده آمریکا چیست و چین چه نقشی را می تواند ایفا کند؟در این گزارش سعی کردیم ابعاد مختلف پرونده رابطه چین و ایران را بررسی کنیم :

### باید بدانیم از چین چه می‌خواهیم؟!

یکی از مهم‌ترین نکات مهم‌در موضوع روابط راهبری باچین که اکثر کارشناسان این حوزه به آن اشاره دارند، این است که طرف چینی کاملاً می‌داند از رابطه با ایران چه می‌خواهد و برای چه با ایران وارد توافق نامه‌های راهبردی شده است اما طرف ایرانی در یک حالت ابهام و سرگردانی قرار دارد. ایران یکی از اصلی‌ترین بازیگران در مسیری است که می‌تواند نخبه‌های ارزش‌مشتک را بین چین و همسایگان ما و همسایگان آن‌ها تعریف کند. این منافع مشترک را اگر درست تعریف کنیم، بسیاری از مسائل پرونده با چین حل خواهد شد. روابط ایران و چین، به‌رغم پتانسیل‌های فراوان، همچنان در سطحی مبهم باقی مانده است. در حالی که پکن، ایران را در سیاست خارجی خود به‌عنوان یک عنصر کلیدی تعریف کرده، به‌نظر می‌رسد تهران هنوز نتوانسته است جایگاه چین را در اولویت‌های راهبردی خود مشخص کند. چین از سال هایش، ایران را به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی در نقشه‌های ژئوپلیتیکی و اقتصادی خود جای داده است. این کشور حتی اولویت منطقه غرب آسیا را در دیپلماسی خارجی خود، تقاداده و ایران را در دیف همسایگان استراتژیک خود قرار داده است. اما این شرکات بالقوه، در ایران کمتر با اقداماتی عملی همراه بوده است. چینی‌ها در برنامه‌ریزی راهبردی خودنقش ایران را شفاف کردند. آن‌ها در سخت‌ترین دوران، از ایران نفت خریدند و حتی در بحبوحه فشار های حداکثری ترامپ، بر اجرای توافق ۲۵ ساله پاشاری کردند. اما به‌رغم این سیگنال‌های آشکار، ایران چه پاسخی داده است؟ پروژه‌هایی همچون کربدور ها، خطوط ریلی و حمل‌ونقل دریایی هنوز فاقد نقشه راهی منسجم و شفاف هستند که بتوانند اعتماد چینی‌ها را جلب کنند. چینی‌ها بار ها این عطش را

**روزنامه خراسان رتبه ۵ نشریات کشوری**

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان  
مدیرعامل و مدیرمسئول: حسین سعیدی  
سرپرست: حامد رحیم پور

دفتر مرکزی: مشهد، (روانشهد صادقی(سازمان آب)  
کدپستی: ۹۱۸۵۸۹۵۹۷۱  
تلفن: ۳۷۶۰۰۰۰۰  
تلفن فاکس دفتر تهران: ۸۸۸۷۱۳۴۹

نماینده‌ریخانه: ۳۷۶۴۴۹۵  
پنشنی‌آگهی: ۳۷۰۱۰

روابط‌عمومی: ۳۷۰۰۹۱۱۱  
پست‌آگهی: ۲۰۰۰۹۹۹

نماینده‌ریخانه: ۳۷۶۵۷۷۷۲  
نماینده‌ریخانه: ۳۷۶۱۴۳۵  
تلفن امورمشترکین: ۳۷۶۰۰۹۷۷۷

دفتر تهران: خیابان‌نوابیر، خیابان نظامی گنجوی  
کوچه نادران، پلاک ۲۳

چاپ‌مشهد: شهرچاپ‌خراسان | چاپ‌تهران: چاپخانه جام جم برتر رن‌ا

تنها به کارشناسان محدود نمی‌شود، بلکه در سطح جامعه‌نیز ریشه دوانده است. پس از امضای تفاهم نامه۲۵ ساله میان ایران و چین، سیملی ازروایت‌های نادرست و افراطی شکل گرفت. برخی این توافق را به «فروختن ایران» تعبیر کردند و موجی از تردید و بدبینی رانسبت به همکاری‌های بلندمدت باچین در میان مردم رانگیختند. چنین فضایی، بی‌تردید برای چینی‌ها که به‌دنبال ساختن برندی بین‌المللی و اعتمادپذیر هستند، دلسرد کننده است. تصور کنید کشوری که تلاش می‌کند خود را به‌عنوان یک شریک قابل اعتماد در سطح جهانی معرفی کند، با محیطی مواجه شود که در آن نه‌تنها از همکاری استقبال نمی‌شود، بلکه ذهنیت عمومی به شدت منفی است. این شرایط، به‌طور طبیعی پیام‌روشنی به‌پکن ارسال می‌کند: ایران شاید هنوز آماده همکاری‌های گسترده‌ر راهبردی باچین نباشد. از سوی دیگر، نگاهیه بر رفتار ایران پس از بزجام‌نشان می‌دهد که چگونه فرصت‌های همکاری با چین نادیده گرفته شدند. در دوران پسارجام، بسیاری از صنایع از جمله خودروسازی که می‌توانستند بر پایه شراکت با چین تقویت شوند، به‌سادگی در اختیار شرکای غربی قرار گرفتند. این گرایش تاریخی ایران به غرب، هنوز در میان مردم و تصمیم‌گیران ریشه دار و به‌یکه از موانع بزرگ همکاری باچین تبدیل شده است. نگاهی به جامعه‌بینارازد؛ اگر از مردم سپردآیات رجیح می‌دهند یا آمریکا یاچین همکاری کنیم، اکثریت به‌سوی آمریکا متمایل خواهند بود. چرا؟! زیرا آمریکا، با قدرت‌رم و احاطه گفتمانی خود، در ذهن ایران‌بها به‌عنوان یک ابر قدرت بر جسته نقش بسته است. از دانشمندان، هنرمندان و بازیگران گرفته تا سیاستمداران آمریکایی، همه در حافظه جمعی جامعه شناخته شده‌اند. اما چندانصر از کف جامعه می‌توانند نام پنج شخصیت معاصر چینی را ببرند؟ این شکاف شناختی و ذهنی، چالشی است که نیازمند تغییر در نگرش عمومی و سیاست‌گذاری‌های هدفمند است. تازمانی که ایران نتواند جایگاه چین را به‌عنوان یک شریک استراتژیک به‌درستی معرفی و اعتماد عمومی را نسبت به این رابطه جلب کند، هر گونه همکاری بلندمدت و پایدار با این قدرت آسیایی در هاله‌ای از ابهام باقی خواهد ماند.

### تعیین مسئول فرادولتی برای پرونده چین

اگر قرار باشد روابط ایران و چین از سطح شعار و توافق نامه‌های کاغذی فراتر رود، نیازمند یک رویکرد منظم، سیستماتیک و دقیق هستیم. انتخاب فردی که مسئولیت پرونده چین را بر عهده می‌گیرد، می‌تواند به نقطه عطف این روابط تبدیل شود. اما این انتخاب باید نشان‌دهنده جدیت و اهمیت این شراکت باشد؛ نه صرفاً یک تصمیم صوری. فردی که مسئول این پرونده می‌شود، نباید صرفاً یک مقام اجرایی باشد، بلکه باید دارای اختیارات کافی، قدرت تصمیم‌گیری و نفوذ در بالاترین سطوح حاکمیتی و دولتی باشد. او باید بتواند حتی در انتصاب سفیر چین در ایران نظر بدهد. ارتباطات او باید مداوم و موثر باشد و هم در دولت و هم در ساختارهای حاکمیتی جایگاه محوری داشته باشد. چینی‌هاوقتی می‌بینند که ایران یک فرد با چنین اختیارات و جایگاهی را برای مدیریت روابط انتخاب کرده است، پیام روشنی در یافت می‌کنند: ایران برای این روابط ارزش استراتژیک قائل است. یکی از نمونه‌های بارز عدم رویکرد سیستماتیک به چین، تجربه آقای لاریجانی است. او که به‌عنوان مسئول پرونده چین انتخاب شد، به دلیل توانایی‌های سیاسی و نفوذش در سطوح بالا، می‌توانست روابط را به سمت پیشرفت سوق دهد. اما بعد چه شد؟ او در دو انتخابات ریاست جمهوری در صلا حیت شد. پیام این در صلا حیت برای چینی‌ها چه بود؟ آن‌ها به این نتیجه رسیدند که ایران، افراد کلیدی خود را به پرونده‌هایی غیر از روابط با چین اختصاص می‌دهد. این سوال در ذهن چینی‌ها شکل گرفت که آیا ایران اصلاً به این روابط اهمیت می‌دهد؟

هم‌قرار دادن این دو خبر، کار پیچیده و دشواری نیست و دولت هم باید به یاد داشته باشد که در انتخابات اخیر بخش مهمی از آرای خود را از روستاها و طبقات پایین جذب کرده و هر اهمالی از این جنس، کنده شدن این طیف‌ها از دولت را تسریع می‌کند. زایوه سوم به پیام بین‌المللی این کار بر می‌گردد، در حالی که طبق اخبار واصله روال و اریز یارانه مانند ماه‌های قبل قابل انجام بود، تأخیر در انجام آن در روزی که در تروئیکای اروپایی در شورای حکام در حال ایجاد فضای ضدایرانی است، چه معنایی به ذهن متبادر می‌کند؟ از سال این پیام در روند مواجهه با غرب و نیروهای نیابتی آن در منطقه چه اثری می‌گذارد؟ حتی اگر بنا باشد

در دولت قبل، سفیری ویژه به چین فرستاده نشد، در حالی که این کشور باید دیپلمات‌های خبره و قدرتمندی را در یکپن داشته باشد. بعد از آن وظیفه پرونده نیز به معاون اول سپرد شد که عملاً گرفتار امور مختلفی بود و چین در اولویت‌های او جایی نداشت. از سوی دیگر، اقدامات نمادینی مانند خرید چند دستگاه اتوبوس، در مقابل ظرفیت‌های عظیم همکاری باچین، تنها به‌عنوان حرکاتی نمایشی تلقی می‌شد. در دولت فعلی هم که صدروز از آغاز به کارش گذشته است هنوز سفیر ایران در چین مشخص نیست و این ترک فعل ها همگی در ذهن طرف چین تصویری نامطلوب خواهد ساخت.

### تغییر نگاه زاپاسی به چین

نگاه آلترناتیوی ایران یعنی، چین را به‌عنوان جایگزینی برای غرب و نه شریکی مستقل در نظر می‌گیرد. در این نگاه، ایران به‌جای بهره‌گیری از ظرفیت‌های چین برای توسعه بلندمدت، تنها زمانی به‌پکن توجه می‌کند که در تعاملات خود با غرب با مانع مواجه شود. این دیدگاه، چین را ابزاری برای دورزدن فشارهای غربی می‌بیند، نه شریک اقتصادی و سیاسی برای آینده‌ای پایدار. چین به‌عنوان کشوری که به‌دنبال شراکت‌های پایدار و بلندمدت است، نمی‌تواند به‌کشوری اعتماد کند که نگاهش به روابط دچار نوسانات سینوسی و مقطعی است. پیامد این امر، کاهش سرمایه‌گذاری چین در ایران و تمرکز این کشور بر شرکای مطمئن‌تر مانند عربستان و امارات بوده است. اما چرا باید این نگاه تغییر کند؟چین به‌عنوان دومین اقتصاد جهان و یکی از قدرت‌های تعیین‌کننده در نظام بین‌الملل، نقشی فراتر از یک جایگزین دارد. ایران باید با رویکردی راهبردی، این کشور را به‌عنوان یکی از شرکای کلیدی خود در برنامه‌های توسعه تعریف کند. ایران نمی‌تواند بانگاهی آلترناتیوی و کوتاه‌مدت، انتظار داشته باشد که چین وارد شراکت‌های کلان و راهبردی با آن شود. این شراکت زمانی محقق خواهد شد که تهران، چین را نه تنها برای زمان بحران، بلکه به‌عنوان بخشی از آینده اقتصادی و سیاسی خود ببیند.

### فرصتی برای بازنگری در شکاف بین

### ابر قدرت‌ها

با بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید و شدت‌گیری تنش‌ها میان چین و آمریکا، جهان ممکن است شاهد یکی از پیچیده‌ترین فصل‌های روابط بین‌الملل باشد. این تحولات اما می‌تواند برای ایران فرصتی طلایی باشد؛ فرصتی برای بازسازی و تقویت روابط راهبردی با چین، آن‌هم در شرایطی که پکن با چالش‌های جدی از سوی واشنگتن مواجه است. چالش‌های پیش‌روی چین و آمریکا، زمینه‌ای فراهم می‌کند که ایران بتواند با هوشمندی در این شکاف بازی کند. از یک‌سو، می‌توان از تنش‌های پکن و واشنگتن برای گرفتن امتیازات بیشتر از چین استفاده کرد. از سوی دیگر، در صورتی که تحولات بین‌المللی به نفع ایران رقم بخورد، حتی می‌توان در مناسبات با آمریکا نیز به‌دنبال امتیازگیری بود. هرچند در این شکاف بازسازی روابط با چین فرصت خوبی را فراهم می‌کند، اما این اقدام نباید باعث شود که تعادل در سیاست خارجی ایران از بین برود. تجربه نشان داده است که تجربه بیش از حد به یک قدرت، می‌تواند آسیب‌پذیری‌های جدی به‌دنبال داشته باشد. ایران باید از یک سو روابط خود را با چین تقویت و از سوی دیگر، امکان تعامل با دیگر بازیگران را حفظ کند. جهان وارد دور‌های از تحولات شتاب‌زده و غیرقابل‌پیش‌بینی شده است. در چنین فضایی، ایران با اتخاذ رویکردی هوشمندانه و رئالیستی می‌تواند از تنش‌های میان چین و آمریکا به‌نفع خود استفاده کند. اما این موفقیت به شرطی ممکن است که تهران با دقت و ظرافت، موانع داخلی را بر طرف و سیاست خارجی متوازنی را دنبال کند.

مذاکره‌ای صورت بگیرد این اقدام مقوم توان تیم ایرانی است یا تضعیف‌کننده‌ان؟ زایوه چهارم به پاس‌گلی بر می‌گردد که به برخی گروه‌های داخلی از سال شده است. به‌موضع‌گیری‌های علنی برخی سیاسیون نگاه‌نکنید، عده‌ای از جریان‌ات داخلی در حال چرتکه‌انداختن هستند و با خود می‌گویند مسعود پزشکیان برف تهران را هم نخواهید دید، این جریان فارغ از آثار مخرب بین‌المللی و بدون در نظر گرفتن ملاحظات و رهنمون‌های رهبر انقلاب پایان زود هنگام دولت را دور از دسترس نمی‌دانند. در چنین شرایطی اهمال کاری در ماجرای یارانه‌ها یک پاس‌گل قطعی به این جریان است.



### آنالیز رای ها به قطعنامه ضد ایرانی

پس از ساعت‌های بحث طولانی بدون توجه به توافق مهم ایران با گروسی مدیر کل آژانس در باره تعلیق غنی‌سازی اورانیم ۶۰ در صد و آمادگی ایران برای صدور ویزا برای چهار نفر بازرسان اروپایی آژانس، ۱۹ کشور به قطعنامه ضد ایران رای مثبت و ۱۲ کشور آفریقای جنوبی، هند، پاکستان، اندونزی، برزیل، غنا، تایلند، الجزایر، ارمنستان، بنگلادش، کلمبیا و مصر رای ممتنع و فقط سه کشور روسیه، چین و بورکینافاسو رای منفی دادند و نوزولا هم چون حق عضویت نپرداخته بود، از شرکت در رای‌گیری محروم بود. اولین اساس می‌توانیم به نکات تحلیلی زیر برسیم. (۱) کشورهای آلمان، فرانسه و انگلیس که خود پیشنهاد دهنده قطعنامه بودند به همراه متحدان ضد ایرانی آن‌ها یعنی آمریکا، استرالیا، کانادا، اوکراین و دیگر اعضای اتحادیه اروپا مانند ایتالیا، اسپانیا، بلژیک، لوکزامبورگ و هلند، در مجموع ۱۲ کشور که انتظار می‌رفت رای مثبت به قطعنامه بدهند اما هفت کشور دیگر کدام کشور ها بودند؟ ژاپن، کره جنوبی، آرژانتین، اکوادور، پاراگوئه، مراکش و گرجستان. دوم) در بین کشورهای همسایه ایران رای پاکستان و ارمنستان، بسیار اهمیت داشت. چرا این کشور ها به قطعنامه رای مخالف ندادند؟ چرا سیاست ایران در مورد نزدیک شدن هر چه بیشتر روابط با همسایگان در این مورد پاسخ مثبت نداد؟ این دو کشور در باره قطعنامه خرد دامه گذشته نیز از ممتنع داده بودند. جالب آن‌که ایران بیشترین حمایت‌ها را از ارمنستان داشته است و نیز در باره پاکستان باید یادآور شویم این کشور حتی پیمان آن پی‌تی را هم نپذیرفته و اجرا هم نمی‌کند. واقعاً چرا ما حتی نتوانستیم همسایگان خود را قانع کنیم اقدام‌های ایران در صنعت هسته‌ای صرفاً صلح‌آمیز است یا چرا این دو همسایه تر جیح می‌دهند در اختلاف بین ما و اروپا و آمریکا بی‌طرف بمانند؟ (سوم) هر پنج کشور عضو بریکس در شورای حکام آژانس عضو هستند. با این که ایران رسماً عضو گروه بریکس شده است، اما از این میان فقط روسیه و چین را می‌توانی دادند به راستی چرا هند، برزیل و آفریقای جنوبی مانند این دو کشور دیگر از این منفی به قطعنامه ندادند؟ چرا این سه کشور تر جیح می‌دهند همچنان در اختلاف‌های اساسی ایران با غرب بی‌طرف بمانند، آیا واقعا بریکس در سایر موارد هم چنین عمل خواهد کرد؟ چهارم) از بین گروه کشورهای اسلامی که ظاهر روابط خوبی هم با ایران دارند، کشورهای الجزایر، اندونزی، بنگلادش و مصر رای منفی ندادند. واقعاً نباید فکر کنیم چرا این کشور هادر چنین موقعیت‌هایی از ایران حمایت نمی‌کنند؟ تاسف‌بار رای موافق کشور مسلمان مراکش است که با ایران روابطش هم قطع است. پنجم) به غیر از کشورهای که در قالب گروه‌های مختلف نام بردم، آخرین مورد مربوط به کشورهای جنبش عدم تعهد است، در قالب این گروه نیز انتظار می‌رفت کشورهایی نظیر آرژانتین، اروگوئه، اکودور و گرجستان لااقل رای موافق ندهند اما آن‌ها هم با غرب همسو شدند. کشورهای غنا، تایلند و کلمبیا نیز تنها به دادن رای ممتنع اکتفا و دادن رای منفی به این قطعنامه خودداری کردند.

